کتابخانه تخصصی
تاریخ اسلام و ایران
۱۳۷۴

مجلهٔ

ایران‌شناسی

ویژهٔ پژوهش در تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران و زبان و ادبیات فارسی

سال پنجم، شمارهٔ ۲ تابستان ۱۳۷۲ (۱۹۹۳م.)

صادق چوبک داستان‌نویس برجستهٔ معاصر *

حدود نیم قرن پیش که صادق چوبک نخستین مجموعهٔ داستانهای کوتاهش را به‌نام خیمه‌شب بازی منتشر ساخت، ایران یکی از آشفته‌ترین ادوار تاریخ سیاسی و اجتماعی و فرهنگی خود را تجربه می‌کرد. چه از یک‌سوی، ایران هنوز در اشغال قوای نظامی به‌اصطلاح «متفقین» بود، و از سوی دیگر، در کنار دهها حزب و جمعیت سیاسی که در اطراف و اکناف ایران چون قارچ از زمین سر بر می‌آوردند، در زیر حمایت مستقیم و آشکار دولت شوروی حزب تودهٔ ایران بنیان نهاده شد، حزبی که بی‌مبالغه در حوادث پنجاه سال اخیر کشور ما ایران همواره نقشی منفی داشته است، که مهمتر از همهٔ آنها جذب اکثر جوانان و درس خواندگان و نویسندگان و شاعران و هنرمندانِ ایران دوستِ ما در «کعبهٔ» تشکیلات خود بود و با کمال تأسف هدایت آنان به «ترکستان»! از شگفتیهای روزگار نیز یکی آن است که در زمانی که لااقل گروهی کثیر از درس

خوانندگانِ ما رفته‌رفته قید «تعبّد» را حتی در مذهب به‌دست فراموشی سپرده بودند، این حزب پیشتازِ! «تعبّد حزبی» و اطاعت کورکورانه از اوامر حزبی را به نحو اشدّ و اکمل جانشین تعبّد مذهبی مؤمنان ساخت و بر آزادی تفکر و اندیشهٔ نسل جوان و روشنفکران و هنرمندان وطن ما یکسره خط بطلان کشید. از یاد نبریم که تبلیغات آن حزب نیز چنان گسترده و قوی بود که در آن سالها، توده‌ای بودن و چپ بودن و حداقل تظاهر به چپ بودن «مد» روز شده بود، چه این حزب قادر بود، حتی در کوتاه مدت، فی‌المثل شاعر یا نویسنده‌ای مخالف و یا بیطرف را به‌صورت یک پول سیاه در بیاورد، همان‌طوری که توانست در طی چند دهه، دهها شاعر و نویسندهٔ کم‌مایهٔ درجهٔ سوم و چهارم را نیز در نشریات خود به‌عنوان شاعران و نویسندگانی کم‌نظیر و بی‌مانند معرفی کند، و چنان که می‌دانیم اعضای حزب و طرفدارانش، نیز بی‌تأمل آن تشخیصهای ادبی و هنری حزبی را بیچون و چرا می‌پذیرفتند.

در چنین آشفته‌بازاری که «حزب» با قدرت جاذبهٔ خویش همه را به‌سوی خود می‌کشید، خیمه‌شب‌بازی منتشر گردید، کتابی که در آن زندگی محروم‌ترین طبقات اجتماع ایران از زن و مرد، و جهل و خرافات حاکم بر زندگی آنان جزء به جزء در داستانهایی کوتاه و به زبان تودهٔ مردم ــ نه به‌لفظ قلم و زبان مدرسه دیدگان ــ مورد بحث قرار گرفته بود. چنین کتابی، البته «خوراک» بسیار خوبی بود که حزب می‌توانست آن را به‌نحو احسن به‌خورد اعضای خود بدهد، و نویسندهٔ آن را در صورتی که به حزب بپیوندد به آسمان علّیین ببرد، به‌خصوص که نویسندهٔ کتاب در «اسائهٔ ادب»، آخرین داستان آن مجموعه، با زبان طنز بر شاهی خودکامه نیز تاخته بود، داستانی که فقط در چاپ اول از زیر قیچی سانسور جان به‌در برده بود، و چاپ دوم کتاب در ده سال بعد، تنها با حذف آن اجازهٔ نشر یافت. موضوع بسیار مهم آن است که در چنان دورانی صادق چوبک عملاً نشان داد نویسنده‌ای‌ست «مستقل» که کار خود را می‌کند و به‌راه خود می‌رود و قلم و هنر خود را در خدمت این حزب و آن حزب قرار نمی‌دهد. همچنان که در مدت ۵۰ سال اخیر نیز بدین شیوهٔ مرضیه عمل کرده است.

چوبک چهار سال پس از نشر خیمه‌شب‌بازی، مجموعه داستانهای جدید خود را به‌نام انتری که لوطیش مرده بود، منتشر ساخت. قریب بیست سال بر چاپ این کتاب گذشته بود که وی داستان بلند تنگسیر را به‌چاپ رسانید، و آن گاه پس از سپری شدن دو سال، دو مجموعه داستان کوتاه دیگر به نامهای روز اول قبر و چراغ آخر از او در ایران منتشر گردید، و سالی بر نشر این دو نگذشته بود که سنگ صبور، داستان بلند

پرآوازه‌اش را به چاپ سپرد.

دربارهٔ آثار چوبک و سبک نگارش وی صاحبنظران گفتنیها را گفته‌اند، ولی ذکر دو موضوع مهم را در این باب در این‌جا زائد نمی‌داند. نخست آن که درست است که چوبک داستانهایش را به‌زبان عامه نوشته است، ولی وی را هرگز نباید در شمار گروهی کثیر از به‌اصطلاح قصه‌نویسان و قلم‌زنانی به‌شمار آورد که می‌پندارند کار داستان نویسی، تنها و تنها، با به زبان عامیانه نوشتن تمام می‌شود و نویسندهٔ معاصر را با آثار ادب کهن زبان فارسی مطلقاً کاری نیست. خیر، چوبک هرگز نه فارغ از آثار منظوم و منثور ارجمند زبان فارسی بوده است، و نه غافل از آثار نویسندگان طراز اول خارجی. و توجه خاص وی به‌همین دو امر، سبب گردیده است کـــه در بین داستان‌نویسان هم‌نسل خود بی‌رقیب و یگانه بماند. بگذریم از ترجمهٔ مهپاره که سبک نگارش آن به قول ابوالفضل بیهقی از لونی دیگر است.

و اما اینک قریب سی‌سال می‌گذرد که از چوبک داستانی دیگر به‌چاپ نرسیده است، در حالی که وی به یقین در این مدت دراز، و حوادثی که بر ایران و ایرانیان و شخص وی در ایران و خارج از ایران گذشته است، باید بسیار نوشته باشد. از سوی دیگر بی‌تردید برای وی به‌مانند دیگر نویسندگان و شاعران و هنرمندان ایرانی، بارها و بارها به‌ویژه در سالهای اقامت در خارج از ایران این فرصت پیش آمده است که خبرنگاران به سراغش رفته باشند تا در باب یک موضوع سیاسی یا اجتماعی عقیدهٔ او را بپرسند، یا از نظر وی دربارهٔ فلان نویسنده یا شاعر آگاه شوند. ولی به‌نظر نگارندهٔ این سطور، وی از سال ۱۳۲٤ که خیمه‌شب‌بازی را نوشت، تا کنون حرمت قلم و سخن را با دقت تمام پاس داشته و در این باب نیز هرگز نخواسته است نامش و تصویرش در هر روزنامه و مجله‌ای چاپ شود و دربارهٔ هر موضوع پیشِ پا افتاده یا پیشِ پا نیفتادهٔ روز داد سخن بدهد و به‌مانند برخی، «حرف آخر» را بزند. او در این سالها مهر سکوت بر لب زده است. آیا نویسنده‌ای را که در طی پنجاه سال گذشتهٔ وطن ما، با آن همه جزر و مدهای سیاسی و اجتماعی، این چنین استوار مانــــده است نباید بـــه دیـــدهٔ تکریـــم نـــگریـــست.

***

و اما سبب اختصاص بخش اول این شمارهٔ ایران‌شناسی به صادق چوبک و آثارش:

سال پیش در بیست و ششمین جلسهٔ سالانهٔ کنفرانس انجمن مطالعات خاورمیانه در

شمال امریکا (MESA) که در ۲۸ـ۳۱ اکتبر ۱۹۹۲، در شهر پورتلند، ایالت اورگون تشکیل شده بود، یکی از جلسات سخنرانی به داستان‌نویسی صادق چوبک اختصاص یافته بود که دکتر محمد علی جزایری استاد دانشگاه تکزاس در استین آن را اداره می‌کرد. چهارتن از ایرانیان در آن جلسه دربارۀ آثار صادق چوبک به زبان انگلیسی سخن گفتند. پس از پایان این جلسه به دکتر قانون‌پرور استاد دانشگاه تکزاس در استین که خود از سخنرانان آن جلسه بود و چند سال پیش هم سنگ صبور را به انگلیسی برگردانیده بود پیشنهاد کردم در صورت موافقت سخنرانان، روایتِ فارسی این خطابه‌ها را برای چاپ در اختیار مجلۀ ایران‌شناسی قرار بدهند. این پیشنهاد پس از چندی با استقبال سخنرانان روبرو شد. از آن چهار سخنرانی، روایتِ فارسی سه سخنرانی به مجله رسید که در این شماره چاپ شده است. از سوی دیگر به یاد داشتم که صدرالدین الهی قریب سی سال پیش دربارۀ شاعران و نویسندگان معاصر با زنده‌یاد دکتر پرویز ناتل خانلری مصاحبه‌هایی به‌عمل آورده است که اکثر آنها، از جمله مصاحبۀ وی دربارۀ صادق چوبک به‌چاپ نرسیده است. پس، از وی نیز خواهش کردم که متن آن مصاحبه را در صورت امکان در اختیار مجله بگذارد، که با لطف وی این کار نیز انجام پذیرفت. سپس نظر عده‌ای از منتقدان و خوانندگان آثار چوبک را ــ چه موافق و چه مخالف ــ گردآوردیم که از نظر خوانندگان مجله بگذرانیم. ولی مسألۀ مهم این بود* که چگونه صادق چوبک، مردی را که به ندرت ــ آن‌هم با اهل دل و اهل درد ــ سخن گفته است، و از مصاحبه و امثال آن نیز سخت گریزان است می‌توان بر سرِ سخن آورد. این کار به شرحی که در صفحات بعد ملاحظه خواهید کرد با پشت‌کار و لطف الهی جامۀ عمل پوشید و صادق چوبک موافقت کرد آنچه را الهی طی ده پانزده سال اخیر از وی شنیده است و یادداشت کرده، بر او بخواند تا در صورت تأیید وی در این شمارۀ ایران‌شناسی چاپ شود. چوبک تا آن نوشته‌ها را کلمه به کلمه از زبان الهی نشنید، و در صورت لزوم آنها را پس و پیش نکرد، با چاپ آنها موافقت به‌عمل نیاورد، و این امر نیز خود دلیلی دیگر است بر این حقیقت که مرد، به راستی، نه فقط در داستان‌نویسی که حتی در نقل برخی از خاطرات خود نیز تا چه حد دقت و وسواس به‌جا دارد.

از همۀ کسانی که در فراهم ساختن این بخشِ مجلۀ ایران‌شناسی، بر بنده منت نهاده‌اند صمیمانه سپاسگزارم. ازنویسندگان مقاله‌ها، از شخص صدرالدین الهی برای همدلیها و همکاری صمیمانه‌اش با مجله، در تهیۀ سه قسمت اخیر این بخش، و از جناب صادق چوبک برای موافقت با چاپ برخی از خاطرات خود در مجلۀ ایران‌شناسی.

برای داستان‌نویس نامدار معاصرمان، صادق چوبک، که بی‌تردید در تاریخ داستان نویسی فارسی نامش ماندگار خواهد بود، و در تابستان امسال هفتاد و هفتمین سال زندگی پربار خود را پشت سر گذاشته است، سلامت و طول عمر آرزو می‌کنیم.

جلال متینی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی